

کتاب مقدس  
(ترجمه سال ۲۰۰۰)

جلد پنجم

کتاب برحق متأخر

- = استر (یونانی)
- = یهودیه بنت مراری
- = طوبیت
- = اول مکابیان
- = دوم مکابیان
- = حکمت
- = بن سیراخ
- = باروخ
- = نامه ارمیا

T O B

**كتاب مقدس**  
**(ترجمه سال ۲۰۰۰)**

**جلد پنجم**

**کتب برحق متأخر**

مقدمه و توضیحات طبق  
ترجمه بین الکیسائی کتاب مقدس ( TOB )

1997

## فهرست

۴	.....	مقدمه ناشر
۵	.....	پیشگفتار کتابهای بر حق متأخر
۱۱	.....	پیشگفتار کتاب استر (یونانی)
۱۵	.....	متن
۴۳	.....	کتاب یهودیه بنت مراری پیشگفتار
۵۱	.....	متن
۷۷	.....	پیشگفتار کتاب طوبیت
۸۳	.....	متن
۱۰۹	.....	پیشگفتار کتابهای مکابیان
۱۱۷	.....	اول مکابیان (قسمت اول)
۱۴۶	.....	اول مکابیان (قسمت دوم)
۱۷۹	.....	دوم مکابیان
۲۲۵	.....	پیشگفتار کتاب حکمت
۲۳۱	.....	متن
۲۷۱	.....	پیشگفتار کتاب بن سیراخ
۲۸۱	.....	متن (قسمت اول)
۳۲۶	.....	متن (قسمت دوم)
۳۷۴	.....	متن (قسمت سوم)
۴۲۷	.....	پیشگفتار کتاب باروخ
۴۳۱	.....	متن
۴۴۳	.....	پیشگفتار نامه ارمیا
۴۴۷	.....	متن

## مقدمه ناشر

در اینجا لازم است در مورد این انتخاب توضیحاتی ارائه گردد:

۱- در این انتخاب، متخصصین مشهور کتاب مقدس همانند کشیش گزاویه لئون دوفور (Xa- vier LEON DUFOUR) ما را راهنمایی نموده و ترجمه جناب کشیش اوستی را به عنوان دقیق ترین ترجمه کتاب مقدس به زبان فرانسه معرفی نموده اند، با این استدلال که ترجمه دیگر توسط گروهی از متخصصین که ترجمه کتب را در بین خود تقسیم کرده بودند انجام شد ولی ترجمه آن یکنواخت نیست.

همچنین پیشگفتار کلی و تعریف اهداف ترجمه بین الکلیسای کتاب مقدس و نیز فهرست مهمترین تفاسیر در شروع کتب عهدجدید و نیز کتاب پیدایش ارائه خواهند گردید. همچنین از خوانندگانی که با پیشنهادات و انتقادات خود جهت اصلاح این ترجمه با ما تماس بگیرند پیشاپیش تشکر می نمایم.

با این امید که خداوند شما خوانندگان این کتب را با حکمت خویش منور سازد.

در نور عید ظهور خداوند ما عیسی مسیح

۶ ژانویه ۲۰۰۲

## پیشگفتار کتب برحق متأخر

(مکاشفه ای با ریشه یهودی) نیز قرار دارد. در آئین کاتولیک، عنوان متون برحق متأخر که از سوی پاپ سیکستوس پنجم اهل سینا<sup>۱</sup> در قرن شانزدهم برگزیده شد نشان می دهد که این مجموعه حاوی کتاب هائی است که در آخرین مرحله جزو فهرست کتب برحق پذیرفته شده اند، برخلاف متون برحق متقدم<sup>۵</sup> که در مرحله نخست مورد قبول بوده اند. هیچ یک از دو عنوان حق مطلب را ادا نمی کند، در واقع، عناوین فوق درباره این کتاب ها که فاقد وحدت درونی می باشند هیچ گونه مشخصه دقیقی به دست نمی دهند. همچنین متن معروف ولگات<sup>۶</sup> به زبان لاتین که پس از شورای ترانت انتشار یافت این کتب را مابین سه بخش دیگر عهد عتیق (کتب تاریخی، اشعار و نبوتی) قرار می دهد، برحسب کاربرد کتاب مقدس یونانی و نه عبری که سه کتاب مکاشفه ای فوق الذکر را جزو پیوست ها قرار داده است. از آنجا که درباره این امر کلیساها دیدگاه های متفاوتی دارند، بنظر می رسد روشن کردن مطلب در اینجا خالی از فایده نباشد. نمی توان شکل گیری متون برحق در یهودیت و سپس در کلیسا را بدون بررسی جوانب تاریخی آن به انجام رساند.

### کتب برحق متأخر کدامند؟

تحت عنوان متون برحق متأخر<sup>۱</sup>، کتاب هائی چند متعلق به سال ها و سبک های گوناگون که وابستگی آنها به فهرست برحق<sup>۲</sup> متون مقدس قرن ها مورد بحث بوده گردآوری شده است. این کتاب ها شامل کتب: یهودیه بنت مراری، طوبیت، اول و دوم مکابیان، حکمت سلیمان، بن سیراخ، باروخ و نامه ارمیاء (یا باروخ<sup>۶</sup>)، متونی از استر و دانیال که مختص ترجمه از متن یونانی این کتاب هاست. این کتاب ها، پس از برگزاری شورای ترانت<sup>۳</sup>، جزو متون برحق کلیساهای کاتولیک درآمد. کلیساهای مشرق زمین (ارتدوکس و غیر کالسدون) هرگز تصمیمی صریح درباره این کتاب ها ابراز نداشته اند. اصلاح طلبان پروتستان قرن شانزدهم، بدون آن که آنها را متون برحق کلیسائی تلقی نمایند، آنها را ضمیمه کتاب مقدس خود کردند و نظرشان بر این است که این کتاب ها برای بنای ایمان فایده ای ندارند اما برای تقویت حس پرهیزکاری مسیحیان می توانند مفید باشند. در نهضت پروتستان، این متون جزو مجموعه کتاب هائی هستند که «تحریفی» خوانده می شوند، مجموعه ای که در آن دعای منسی، سومین کتاب عزرا (برداشت یونانی از عزرا و نحمیا) و چهارمین کتاب عزرا

۲ - Canon

۴ - Sixte de Sienna

۶ - Vulgate

۱ - Deutérocanoniques

۳ - Trente

۵ - Protocanoniques

آنها را تعیین می نمود و بدین ترتیب تعیین فهرست کتب مقدسه مدت زمانی در قلب یهودیت باز ماند. اما تا به کی؟ نظام و ترتیب قواعد کاربردی کدام بود؟ آیا هر نوشته ای در این فهرست مورد قبول واقع می شد؟ و آیا موارد کاربرد در همه زمان ها و مکان ها یکسان بود؟ در این پرسش نکات مبهم و تاریک بسیاری وجود دارد.

پس از فتوحات اسکندر (متوفی ۳۲۳) موضوع جدیدی وارد سرگذشت کتاب های مقدس شد. مقارن پایان قرن چهارم، یک مستعمره نشین یهودی در اسکندریه مصر استقرار یافت و این درست زمانی بود که سرزمین یهودیه خود تحت تسلط پادشاهان بطالسه (لاگیدها) قرار داشت. بطالسه مصر چون سلوکیان سوریه به اتباع یهودی خود همان امتیازات مذهبی را که شاهنشاهی هخامنشی در گذشته مقرر داشته بود، اعطاء کرد یعنی تشکیل «ملتی» که توسط دولت حمایت می شد و ضابطه اداره بین آنها تورات بود، به این ترتیب یهودیان عبادت و مراسم وابسته به آن را حفظ و از ویژگی های فرهنگی خود بهره مند بودند. آنان صاحب اماکن عبادتی خود در محله ها و روستاهائی بودند که اجتماع ایشان در آنجا متوطن گردیده بود. یهودیان مصر به تدریج زبان یونانی را در زندگی روزمره خود پذیرفتند لذا دیری نپائید که تورات آنان ضرورتاً به یونانی ترجمه شد، از یک سو برای حفظ سنت اصیل در درون یهودیت به کمک قرائت عمومی آن در مجامع کنیسه ها و از سوی دیگر برای آنکه بنیاد اساسنامه قانونی که یهودیان طبق آن در صورت بروز اختلاف باید مورد قضاوت قرار می گرفتند در نظر مصادر

## شکل گیری فهرست متون برحق در آئین یهود

در یهودیت قدیم، از همان هنگام که عزرا تورات (یا قانون) را احتمالاً در سال ۳۹۸ ق.م. (رک. نج ۸) تنظیم و مقرر نمود، این بخش از کتب مقدسه موضوع تصمیمی رسمی بود. از آن زمان به بعد، پنج کتاب موسی [اسفار خمسسه] از سوی زمامداران پارس چون منشوری شناخته شد که اداره کننده همه یهودیان پراکنده در شاهنشاهی پارس بود. زمامداران پارس نیز، ارزش «اصول و قواعدی» به منظور کاربرد در ایمان و زندگانی روزمره به این کتب بخشیدند: و به این ترتیب این کتب برحق به معنای اثباتی واژه، قانونی و رسمی بودند یعنی تنظیم کننده زندگانی. در ادامه مجموعه دیگری نیز می آید: نوشته های انبیا «انبیاء پیشین» (یوشع، داوود، اول و دوم سموئیل، اول و دوم پادشاهان) و «انبیاء متأخر» (اشعیا، ارمیا، حزقیال و دوازده نبی کوچک). این کتاب ها بدون داشتن اقتداری برابر کتاب قانون برای اداره زندگی، مجموعه ای بودند که به نحوی مبنای تفسیر عملی کتاب قانون را میسر می ساختند و محدوده آن را گسترش می دادند. تعیین و گردآوری مزامیر که برای نیایش در آئین های پرستشی ضروری بود راهگشای سومین نوع از کتاب ها گردید که در مراسم عبادی معبد و گردهمائی های کنیسه ای رسماً مورد شناسائی و پذیرش قرار گرفت که آنها را نوشته های مقدس نام نهاده اند. محدوده این گروه سوم از کتاب ها به یکباره از طرف مصادر امور جامعه یا قبول و تصویب عمومی همان جامعه تعیین نگردید. اقتداری کاملاً نابرابر، کاربرد عملی

کتاب‌های رسمی شناخته شده در مناطق مختلف یهودی نشین، بین آخرین قرن دوران عتیق و تجدید حیات یهود که آغاز آن پس از ویرانی اورشلیم (۷۰ میلادی) بوده مشکل است. در میان یهودیان فلسطین و احتمالاً در مجامع یهودیان پراکنده شرقی که روابط نزدیکی با هم داشتند، امکان داشته که آن فهرست هنوز هم مفتوح بوده باشد؛ در «مسدا»<sup>۸</sup>، آخرین محل بازماندگان مقاومت یهود در برابر رومیان (سال ۷۳ ق.م) طوماری از کتاب بن سیراخ پیدا شده که بر کاربرد آن در کنیسه گواهی دارد. اما همه قسمت‌های مذهبی آن لزوماً دارای کاربرد همسان نبوده‌اند. کتاب دانیال، نوشته‌ای متأخر که اعتبار آن مورد شناسائی فریسیان بوده، مطمئناً مورد قبول صدوقیان نبوده است. برعکس در قمران کتاب طوبیت و نیز بن سیراخ و احتمالاً باروخ کاربرد داشته و مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند؛ و شاید اعتباری مساوی برای برخی نوشته‌ها به نام‌های مستعار قائل بودند<sup>۹</sup> مانند کتاب خونخ و کتاب هلله و نوشته‌های رسمی در مورد ایجاد نظم و قاعده در زندگانی فرقه (قواعد و مقررات جامعه و جنگ مقدس، مجموعه سرودها و کتاب اورشلیم نوین و...).

در اینجا باید افزود که نوشته‌هایی تحت عناوین مستعار به یونانی ترجمه شده بودند، تا حدی که اعتبار آنها احتمالاً در مرزهای فرقه اسنیاں متوقف نمانده بود. نمی‌دانیم در زمان عیسی کاربرد این متون در کنیسه‌های سرزمین یهود و جلیل چگونه بوده است.

امور حکومتی تثبیت گردد. براساس یکی از نوشته‌های یهود با عنوان نامه آریسته<sup>۷</sup>، ترجمه اسفار خمسه در شهر اسنکدریه در زمان سلطنت بطلمیوس دوم (۲۸۵-۲۴۶) توسط هفتاد و دو تن از مشایخ یهود که به طرز معجزه‌آسا با هم اتفاق نظر داشتند، به انجام رسید و به این علت آن را ترجمه «هفتاد تنان» نامیده‌اند و سپس این نام به تمامی ترجمه‌های قدیمی عهد عتیق به زبان یونانی اشاعه یافت. هر چند افسانه مذکور فاقد ارزش تاریخی است اما تاریخ مذکور می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. این نامه نشان می‌دهد که یهودیان یونانی زبان برای متن ترجمه تورات همان ارزشی را قائل بودند که برای متن اصلی عبری آن. حتی از ابراز این عقیده که مترجمان نیز کار خود را تحت الهامات الهی به انجام رسانده‌اند خودداری نمی‌کنند و این موضوعی است که فیلون اسکندری در آغاز قرن اول مسیحی به صراحت بیان داشته است. در مراحل بعد به دنبال تورات آثار مفید دیگری درباره ایمان و زندگانی یهود نیز ترجمه گردید: از جمله انبیاء و میزامیر در قدم اول و سپس نوشته‌های دیگر به مقیاس اهمیت و صلاحیت آنان (رک. بن سیراخ، مقدمه ۶-۹، ۲۱-۲۵).

انطباق و شرح و بسط‌ها باعث می‌شد این ترجمه تبدیل به نوعی تفسیر واقعی از متون شود که کاملاً در پیوند تنگاتنگ با چارچوب تغییرات فرهنگی، در گذر از زبان‌های عبرانی و آرامی به زبان یونانی بود.

به هر حال، ذکر دقیق محدوده فهرست

۸- Massade

۷- Aristée

۹- در مورد آثاری که تحت عنوان مستعار تهیه می‌شده به پیشگفتار کتاب مکاشفه رجوع کنید.

این وضع را داشت، بدون آنکه اعتبار موضوعه کتب برحق متأخر را داشته باشند بلکه ظاهراً برای تهذیب ایمانداران یهود مفید تشخیص داده شده بودند.

### شکل‌گیری فهرست متون برحق در کلیسا

کلیسای مسیحی که در مهد کنیسه بوجود آمد، پیش از آنکه سازمان کاملاً مجزای خود را کسب کند، از یهودیت، مجموعه کتب مقدس را به میراث برد. کلیسا چون ادامه یک امر مسبوق به سابقه، همان کاربردی را که در جوامع یهودیان، سرزمین‌هایی که در آنجا پی‌افکنده شده بود، ادامه داد از جمله سرزمین فلسطین، مصر، سوریه، آسیای صغیر، یونان، روم و... همان‌گونه که دیدیم محدوده این کاربرد تا پایان قرن اول میلادی بسیار نامشخص بوده است. نقل قول یا اشارات و کنایات موجود در عهدجدید کمتر از آن است که دقیقاً بتوان گفت کدام کتاب‌ها در آن زمان مورد قبول بوده‌اند. چه بسا متوجه این نکته می‌شویم که بین کتب برحق متأخر، متن قدیمی کتاب دانیال (از متن هفتاد تنان) مطمئناً مورد استفاده بوده، حکمت سلیمان احتمالاً شناخته شده بود، شناسائی کتاب بن سیراخ هم محتمل است. تصمیم عالمان شریعت یهود در یمینا تأثیری قطعی بر کلیساهائی که در ارتباط نزدیک با جوامع یهود بودند و نیز نویسندگانی که با کلیساهای اختلاف نظر داشتند گذاشت، حتی موقعیت آنان چنان تحت تاثیر قرار گرفت که ناگزیر از توسل به متون برحق متقدم گشتند که بدون هیچ‌گونه اعتراضی مورد تأیید هر دو طرف بود.

تنها بین سال‌های ۸۰ تا ۱۰۰ میلادی بود که عالمان شریعت یهود از فرقه فریسی در یمینا (جامنیا) فهرستی رسمی که از آن پس کاربرد آنها را دقیقاً تعیین می‌کرد تثبیت نمودند. اما برای این منظور باید برخی کتاب‌هایی را که با این جریان مخالفت داشتند نجات می‌دادند از جمله (استر، حزقیال، غزل غزل‌ها) و کتاب‌هایی را که از نظر آنها به پس از دوران انبیاء تعلق داشتند از این فهرست خارج کردند. همه کتب برحق متأخر در این وضعیت بودند همچنین کتاب‌هایی که مستقیماً به زبان یونانی تألیف شده بودند. طبیعتاً متن یونانی از دید آنان دارای اعتباری محدود بود آن‌هم جائی که با امانت کلام متون اصلی را رعایت نموده بود. با این حال، یهودیان اسکندریه به ترجمه کردن کتب برحق متأخر و کتاب‌های مستعار مهم به زبان یونانی بسنده نکردند و ترجمه کتاب‌های اصلی نیز به این زبان پدید آمد، از جمله: حکمت سلیمان، کتاب دوم مکابیان و احتمالاً قطعه‌ای از کتاب باروخ (باروخ ۴:۵-۵:۹). چه اعتباری برای این نوشته‌ها باید قائل بود؟ گفتن آن مشکل است. آنچه به یقین می‌دانیم این است که هرگز کوچکترین اختلافی بین جوامع یهودی یونانی زبان و عالمان شریعت فلسطینی درباره متون برحق مصوب در یمینا دیده و شنیده نشده است؛ اما شاید مصادر مجاز در مورد کتاب‌های مقدسه قائل به شناسائی تدریجی گردیده بوده‌اند. به هر تقدیر، حتی پس از تصمیم یمینا، برخی نوشته‌های خارج از فهرست رسمی باز برحسب اقتضا، چون نوشته‌های مقدس، حتی در یهودیت حاخامی ذکر می‌شدند و به خصوص کتاب بن سیراخ



یونانی حاوی آن متون باشد، یکسان و مشابه نیست. آیا این کتاب مقدس حاوی برخی کتاب‌های «تحریفی»<sup>۱۲</sup> (طبق تعریف کاتولیکی) مانند کتاب سوم عزرا یا دعای منسی و برخی نوشته‌های مستعار یا کتاب‌هایی همانند کتاب سوم مکابیان نیز می‌شود؟ در مغرب‌زمین، روم و آفریقای شمالی در آغاز قرن چهارم میلادی دارای فهرست مشترکی بودند که حاوی متون برحق متأخر نیز بود و این امر از شورای مذهبی قرطاجنه (کارتاژ) و نامه‌ای از پاپ اینوسان اول<sup>۱۳</sup> نیز مستفاد است. اما در همان زمان، نویسنده ترجمه جدید که تدریجاً باید بر غرب لاتین تأثیر می‌نهاد، یعنی ژروم قدیس، در آغاز به این بسنده کرد که برخی از آنها را با شتاب ترجمه کند (طوبیا و یهودیه بنت مراری) و اضافات استر و دانیال را در پیوست ترجمه خود از متن کتاب مقدس عبری افزوده و از ترجمه کردن دیگر متن‌ها چشم پوشید. ارتباط طولانی وی با آئین یهودیت فلسطینی و تعلق خاطر وی به «حقیقت عبرانی» کتاب‌ها می‌تواند بیانگر این برداشت احتیاط‌آمیز باشد. آنچه یقین می‌باشد این است که اعتبار و صلاحیت وی به عنوان مترجم کتاب مقدس، برخی از الهی‌دانان قرون وسطی را واداشت که به دنبال نظر وی قدم بردارند، که تا زمان برگزاری شورای مذهبی ترانت (کائزتان)<sup>۱۴</sup> دارای مدافعانی بود. این همان نظریه متکی بر تردیدهای سنت یونانی است که مورد قبول اصلاح‌طلبان پروتستان قرار گرفت.

اما در دیگر جاها، به اعتبار سنتی که از پیش مرسوم گردیده بود استفاده از برخی متون خارج از فهرست رسمی ادامه یافت. در نیمه اول قرن سوم میلادی کار «اوريجن»<sup>۱۰</sup> شاهدی راستین بر چنین کاربرد گسترده‌ای است، وی جداً درباره تعیین متون انتقادی کتاب مقدس کوشش بعمل آورد و درباره موضوع برحق بودن به روشنی جبهه گرفت و از حقوق «کتاب مقدس مسیحی» که توسط خود وی از متن یونانی عهد عتیق تفحص شده بود علیه کسانی که تمایل به قبول «کتاب مقدس یهود» که در یمینا مقرر شده بود داشتند، دفاع نمود. بدین ترتیب تدریجاً فهرست برحق مسیحی تثبیت شد که آثار «غیر قابل بحث» و در نهایت آثار «قابل بحث» را که برای آنها اعتباری کمابیش متقن قائل بودند، شامل می‌شد.

در کلیساهای سوریه تعدادی از کتاب‌های مقدس مستقیماً از کتاب مقدس عبری، بدون مراجعه به متن یونانی توسط یهودیان یا مسیحیان به زبان سریانی<sup>۱۱</sup> ترجمه شد و در همان حال فهرست مورد استفاده و متن کتاب‌ها با کاربرد رسمی کنیسه متقارن گردید. کلیساهای یونانی زبان شرق برعکس به کاربردهای مختلف شهادت می‌دهند بدین ترتیب هیچ تصمیم قضایی در طی قرن‌ها برای تعیین قاعده‌ای قطعی به مرحله صدور نرسیده است. امروز نیز اعتبار و صلاحیتی که در مورد متون برحق متأخر قائلند از دید همه علمای علوم الهی مشرق زمین حتی اگر کتاب مقدس

Syriaque - ۱۱

Innocent I - ۱۳

Origene - ۱۰

Apocryphe - ۱۲

Cajetan - ۱۴

## پیشگفتار کتابهای برحق متأخر

یعنی تا آن اندازه است که انعکاس و تأثیری بر کتاب‌های اصلی کتاب مقدس دارند. هر چند برای تقویت حس ایمان می‌توان به آنها توسل جست اما نه برای پی‌ریزی عقاید قطعی. این برعهده مترجمان این کتاب‌ها نیست که به تکه تکه کردن این سؤالات بپردازند. در اینجا به همین نکته بسنده شده است که متون را به صورتی که هست با حواشی و توضیحات معرفی نمائیم. در کار ترجمه [اصلی و نه ترجمه حاضر به زبان فارسی] برخی مسائل بود که به طریقی باید به بهترین وجه در حل آن کوشش بعمل می‌آمد. در نتیجه به همین خاطر است که در برابر خود ترجمه ای اصلی از استر به زبان یونانی می‌یابیم که بسیار با نسخه عبری آن متفاوت است. برعکس اضافات یونانی کتاب دانیال در خود متن در جایی که مناسب آنها بوده است گنجانیده شده و به این ترتیب آنها را در بخش «نوشته‌های مقدس» باز می‌یابیم. اما برای بقیه نوشته‌های برحق متأخر، تنوع متون مسائل مشکلی را مطرح ساخته که در پیشگفتارهای این کتاب‌ها، خوانندگان در این موارد اطلاعات و تذکرات مورد نظرشان را خواهند یافت.

به هر حال باید قرن نوزدهم فرا می‌رسید تا متون برحق متأخر (که در آن زمان تحریفی نامیده می‌شد) نخست در انتشارات پروتستان جزو پیوست‌ها قرار گیرد و سپس از ترجمه‌هایی که توسط انجمن کتاب مقدس منتشر می‌شد به کناری نهاده شود. فعلاً موضع علمای پروتستان در قبال این موضوع یکسان نیست. کشفیات باستان‌شناسی ناحیه قمران و نواحی دیگر برخی از ایشان را وادار به بررسی مجدد موضوع کرده است.

نمی‌توان این پیشگفتار را بدون در نظر گرفتن نقطه نظرهای گوناگون در کلیساهای مختلف (ارتدوکس، شرقی غیر کالسدون، کاتولیک و پروتستان) به پایان برد. برحسب مورد، متون متأخر برحق را یا دارای صلاحیت و اعتباری برابر با همه کتاب‌های دیگر کتاب مقدس می‌دانند یا به آنها اعتبار و صلاحیتی کمتر می‌دهند یا مطلقاً آنها را فاقد اعتبار و صلاحیت می‌دانند. این برداشت‌های عملی با قضاوت در مورد الهام هر یک از آنها بستگی دارد: موضوع این است که آیا این نوشته‌ها شهادتی کامل و معتبر بر سخن خدایند؟ یا باید پذیرفت که در الهام نیز درجاتی وجود دارد؟ مباحث در اطراف برخی از این کتاب‌ها نشان می‌دهد که این نوشته‌ها به صورتی فرعی شهادت بر سخن خدا دارند

